

گفتگو

ابرج کلانتره پادار چهست وکجاست؟



ابرج کلانتری طالقانی، متولد ۱۳۱۶ در تهران، فارغ التحصیل رشته معماری از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲و از دانشجویان سیحون است.

او موسی و رئیس هیئت مدیره مهندسان مشاور باوند (از سال ۱۳۵۳ تاکنون) است. کلانتری همواره در مجامع حرفه‌ای و شهرسازی فعالیت داشته و در قانون‌گذاری قوانین و شکل‌گیری این مجامع بسیار تاثیرگذار بوده است. در سال ۱۳۸۴ به عنوان معمار سال و در سال ۹۳ به عنوان معمار برجستهٔ کشور از سوی رئیس جمهور نشان فرهنگ دریافت نموده است. او ۲۰ سال سابقه تدریس معماری در دانشگاه‌های تهران، علم و صنعت و آزاد اسلامی دارد و داوری‌های متعددی را انجام داده است. وی در مسابقات بسیار رتبه اول را کسب نموده است، مانند ساختمان جدید شرکت نفت ایران. در کارنامه او ساختمان‌های بسیار مهمی قراردارند از جمله فرودگاه بین‌المللی امام خمینی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین، سفارت ایران در گرجستان و …

مهندس کلانتری این سؤال‌ها را به‌صورت گفتگو با جواهریان پاسخ دادند.

چهارچوب ارزشیابی پایداری بر چه معیارهایی است و کدام یک به

◆ **جایگاه معماری پایدار در ایران را نسبت به معماری جهان چگونه می‌بینید؟**

مجموعه سوالات نشریه معماری را مورد بررسی قرار دادم. به نظر می‌رسد هدف از طرح این سوالات اینست که، در یک ارزیابی کلی با توجه به تحولاتی که در عرصه جهان رخ داده وضعیت معماری دوران معاصر ایران را با معماری جهان مقایسه نمایشم. برای ورود به این موضوع نمی‌توان با مفروضات متفرقی از عوامل اثرگذار و وزن دادن به هر یک نهایتاً به یک جمع جبری رسید که فیالمثل مشخص کنم وضع معماری ما بد، متوسط، خوب و … است. من ترجیح می‌دادم حول و حوش همان پیش فرض اولیه از طریق دیالوگ و گفتگو وارد شوم، معذالک سعی می‌کنم هر یک از سوالات شما را جداگانه پاسخ دهم. گرچه در ذهن خود تفکیک این موضوعات را قائل نیستم.

ابتدا واژه پایداری را مورد کنکاش قرار دهمیم. پایداری به معنای دوام در مقابل عوامل فرساینده طبیعی مورد نظر است یا پایداری به مفهوم قابلیت بهره‌برداری معماری در طول عمر نکتولوژیک آن یا پایداری به مفهوم ماندگاری معماری به عنوان یک اثر هنری.

گزینه اول از ملزومات و امور بدیهی است. یعنی معمار حرفه‌ای ناگزیر از تبعیت از مقررات ملی ساختمان و سایر آئین نامه‌هاست که دوام ساختمان را تضمین می‌کند.

در گزینه دوم فرض بر این است که بر اساس مقررات ملی و آیین‌نامه‌ها عمر تکنولوژیک ساختمان‌ها از عمر عملکرد آن‌ها طولانی‌تر است در این حالت معمار می‌تواند ضمن پاسخگویی به نیازهای موردنظر امکان تغییر کاربری را در طراحی خود ملحوظ کند. اما پایداری به مفهوم (ماندگاری) به‌عنوان یک اثر هدف آرمانی است که قاعده و شرط و شروط کلیشه‌ای برای آن نمی‌توان قائل شد.

این هدف آرمانی در گرو توجه به عنصر آرتیستیک در معماری است که با نظام زیبایی‌شناسی باید مورد مذاقه قرار گیرد. خلاصه اینکه واژه پایداری و این ادبیات توسعه از اهمیت خلاقیت حرفه معماری می‌کاهد و آن را در سطح سایر دیسپلین‌های مهندسی در فرایند توسعه می‌انگارد. هم اکنون این اتفاق در جامعه کنونی، رخ داده است

شهرساز – مهندسی ترافیک – نقشه‌بردار – مهندسی ژئوتکنیک – مهندس عمران … در عرصه رقابت با معماران قرار گرفته‌اند.

◆ **چهارچوب ارزشیابی پایداری بر چه معیارهایی است و کدام یک به**

در کشور ما ساخت و ساز (جهت ایجاد اشتغال و تأمین سطحی و کمی

از نیازهای جامعه) چنان شتاب زده شده است که ضایعات آن را به چشم

می‌بینیم متاسفانه انگیزه‌های سوداگرانه و اهمیت بازده سرمایه‌گذاری به

سایر پارامترهای کیفی غلبه یافته و معماری به هیچ عنوان ارزش افزوده

نمی‌آفریند. زمین در کشور ما و به خصوص در تهران بسیار گران است. لذا متغیر

اصلی و تعیین‌کننده ارزش زمین است، ناچاراً برای جبران آن باید با

تراکم بیشتر ساخت و شهرداری از طریق فروش تراکم به منابع مالی

گزافی دست می‌یابد و این امر محرکه اساسی در این شتاب ساخت و

ساز شده است. مسلماً در چنین شرایطی با معماری پایدار موردنظر شما فاصله زیادی

داریم. لذا در وضعیت فعلی باید از این شتاب سوداگرانه ساخت و ساز

اجتناب کنیم حتی اگر سبب بیکاری ما شود!

مقیاس کلان (طرح جامع و تفصیلی) با ضوابطی مواجه می‌شویم که در حوزه معماری نه تنها مفید فایده قرار نمی‌گیرند، بلکه، بسیار بازدارنده هستند و اختیارات معماران را بسیار محدود می‌کنند.

◆ **ارتباط پایداری و آسایش را چگونه میبینید آیا باهم در تناقض هستند؟**

این دو واژه هر دو مفهوم نسبی دارند، آسایش یک امر نسبی است، و پایداری نیز همچنین. لذا، می‌توان معماری نسبتاً پایداری را در نظر داشت که پاسخگوی نسبی درجه آسایش است و هم می‌توان معماری نسبتاً پایداری را تصور کرد که درجه آسایش بیشتری را تأمین کند. تأمین آسایش تنها در گرو فراهم نمودن شرایط فیزیکی مناسب در مقابل وضعیت طبیعی و اقلیمی و یا سهولت عملکردی بنا نیست. شاید آسایش مقدار زیادی مبتنی به رضایت خاطر از جنبه‌های روحی در فضایی که به عنوان مامن یا خانه زندگی می‌کنیم باشد. دلپذیر بودن فضا از نظر فرم، نور، سلسله مراتب و فضاهای انتقالی از عرصه عمومی به خصوص متغیرهای بسیار مهمی است.

به نظر من عوامل تاثیرگذار در دستیابی به معماری پایدار عمدتاً فیزیکی هستند و متضمن بار کیفی و زیبایی‌شناسی نیستند و در عین حال تناقض با یک اثر معماری ماندگار (زیبا) ندارد.

◆ **آیا در تجارب شخصی شما برای ایجاد یک معماری پایدار هزینه بیشتر به پروژه تحمیل گردیده؟**

اولاً پارامتر هزینه در این گفتگو به نظر من مطرح نیست، زیرا شما با (معماری پایدار) و من با (معماری ماندگار) کیفیت جستجو می‌کنیم. در شرایطی که برای ایجاد درآمد سرمایه‌های سنگین به‌کار گرفته می‌شود چرا برای کیفیت خرج نکنیم. دوماً ما به‌دنبال وضعیت و نکاتی می‌گردیم که کار خلاقانه و خدمات مهندسی ارزش افزوده ایجاد کند. سوماً پارامتر هزینه تحت تاثیر قیمت زمین و جبران آن در یک پروژه بسیار ناچیز و دارای نسبتی حدود یک دهم قیمت زمین است. در مرکز شهر زوربخ، قیمت یک مترمربع زمین معادل یک ششم هزینه‌های طراحی و ساخت و ساز و عوارض است. یعنی هزینه‌های ساخت و طراحی ۶ برابر قیمت زمین است. در ایران قیمت خدمات مهندسی و ساخت یک دهم قیمت زمین است. نهایتاً فکر می‌کنم معماری خوب و صحیح حتماً هزینه‌های کمتری از انواع رایج آن خواهد داشت. وقتی قرار است در طراحی معماری به وضعیت اقلیمی و محیط پیرامونی توجه شود.

بدیهی است در ترکیب عناصر طرح تأمین نور مناسب و جریان هوا رطوبت نسبی و اتلاف حرارتی و انرژی مدنظر خواهد بود. این مسائل بلکه ذهنی معمار حرفه‌ایست و به‌کارگیری آن متضمن صرفه‌جویی در هزینه‌هاست.

◆ **نقش قوانین در توسعه معماری پایدار چگونه ارزیابی می‌کنید آیا فکر می‌کنید قوانین موجود کافیست؟**

در شرایط کنونی در قیاس با کشورهای توسعه یافته، کار بسیار سنگین و فشرده‌ای در پیش داریم. برنامه‌های توسعه در کشور ما که مدیریت سکتورال (بخشی) حاکم است هماهنگی‌های بخشی مستلزم قوانین و مقررات ویژه است که از بدو تاسیس سازمان برنامه و بودجه، وارد این تجربه شده‌ایم.

بحث آسیب‌شناسی این مطلب فرصت ویژه‌ای می‌طلبد. ولی من در اینجا به یک نکته اشاره می‌کنم، در دهه اول انقلاب تکنوکراسی جامعه ما، و مدیران اجرایی در سطوح سیاستگذاری تحت تاثیر القاعات شعارهای انقلابی و مسئله عدالت اجتماعی، تفکیک مدیریت عمران شهری از مدیریت عمران روستایی را ظلم در حق روستائیان پنداشته، بنابراین در

تنظیم برنامه‌ریزی توسعه با روش‌های یکسان و مشابه به این دو بخش پرداختند. نهایتاً به اینجا رسیدیم که نه روستاهای ما روستا است نه شهرهای ما شهر. در روستا شورای ده عیناً مشابه شهرداری و شوراهای شهر مشغول به فروش تراکم و تغییر کاربری اراضی کشاورزی و باغات هستند.

◆ **آیا برای توسعه معماری پایدار در جامعه تعبیر و باور معماران کافیست؟**
بر اساس مقررات نظام فنی و اجرایی و رویه‌های تشخیص صلاحیت و عرف، ارجاع کار به بنگاه‌های مهندسی رشته‌های معماری و شهرسازی «مولتی دیسپلین» می‌باشند. به عبارت ساده، طراحی یک پروژه ساختمانی را به مهندس مشاور سازه و یا تاسیسات مکانیکی یا ترافیک نمی‌سپارند. در سایر نقاط جهان طراحی یک ساختمان به عهده معمار سپرده می‌شود و او مسئولیت تدارک محاسبات و نقشه‌های سازه و تاسیسات مکانیکی را به عهده دارد. و اغلب با این گرایش مسئول برنامه‌ریزی کالبدی– و توجیه اقتصادی پروژه نیز می‌باشد.

با توجه به این نکات، به نظر من معماران مسئولیت بسیار حائز اهمیتی در این جریان دارند. متاسفانه جامعه معماری ما شأن خود را از دست داده و نتوانسته موقعیت و «اتوریت» خود را در تعریف پروژه برنامه‌ریزی و روش‌های هماهنگی و کنترل کار احیا نماید. قانون نظام مهندسی ساختمان از این جهت آسیب بسیار جدی به حرفه و گروه معماری زده است.

◆ **به نظر شما کدام پروژه‌های اجرا شده در سه دهه اخیر ایران اصول معماری پایدار را رعایت کرده‌اند و آیا شهرهای ما پایدار شده‌اند؟**

من در مقامی نیستم که به این سوال پاسخ دقیق به هم. زیرا هنوز نظریه

و تعریف دقیقی در مورد معماری پایدار سراغ ندارم.

به نظر می‌رسد که معماری پایدار جدا از سایر عوامل رخ نمی‌دهد. این رویداد یک امر تدریجی و نسبی است چنانچه قبلاً گفتم فراهم شدن آن نیازمند بستری است که روند توسعه به تدریج شرایط آن را فراهم می‌آورد. به نظر من معماری معاصر در ایران با وجود مشکلات و پیچیدگی‌های فراوانی که بر سر راه خود دارد. از نظر ایده و دانش در جهان جای مناسبی دارد.

◆ **چه راهکارهایی را برای همسویی بیشتر معماری و شهرسازی ایران با پایداری پیشنهاد می‌کنید؟**

من شهرسازی را از گرایش‌های رشته معماری می‌دانم، البته شهرسازی دانش جدیدی است که آن را به برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری تقسیم می‌کنند. من در این بحث اشاره به طراحی شهری دارم در هر مقیاس، این رشته ابتدا در دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران آغاز شد و تمامی صاحب نامان آن فارغ‌التحصیلان رشته معماری بوده‌اند.

به‌عبارتی فارغ‌التحصیلان رشته معماری گروهی به کار معماری مشغول شده‌اند و عده‌ای از طریق استخدام در سازمان‌های دولتی به دنبال شهرسازی رفتند. طبیعی است که گروهی که کارمند سازمان‌های دولتی بوده‌اند. به تدریج به بوروکرات‌هایی تبدیل شدند که در حوزه معماری فرصت تمرین معماری خلاقانه نیافتند و در نتیجه توانایی طراحی آن‌ها محدود باقی ماند. این گروه در عرصه رقابت با معماران حرفه‌ای و اظهار وجود آرام آرام به سیستم آموزش پناه بردند، چون نظام آموزشی نیز به جهت خالی شدن آن از معماران خلاق و حرفه‌ای نیاز به بسط و توسعه نظریه‌پردازی داشت. نتیجه این پیوند فربه شدن تئوری و کاهش تدریجی واحدهای طراحی از برنامه‌های آموزشی شد.

توصیه من این است که دوستان شهرساز باید از فرصت استفاده کنند و به تمرین معماری بپردازند.